

The analysis of macro-structure of Parvin Eatesami's tales within the framework of linguistic formalism

Ayoub Ansari*
Alireza Shanazari**
Seyyed Ali Seraj***

Abstract

Linguistics, as the other sciences, has divided into branches one of which is macro-linguistics. IN macro-linguistics analysis, text is studied based on the relations among different parts of it. The objective of the present study is the macro-analysis of Parvin Eatesami's tales based on Woodbury (1987, cited in Fabb, 1997) - Khanzadeamiri (1379) formalist model. This study is descriptive and the methodology is quantitative content analysis. As a whole, the results of analysis showed that the model with some modifications is recognizable in macro-structure of Parvin Eatesami's tales. One of obtained conclusions in this analysis is that Advice constituent/episode is in the main focus in Eatesami's tales. The analysis showed that the model with some modifications is recognizable in macro-structure of Eatesami's tales. In the analysis, 2728 lines/verses out of the total 6824 analyzed lines, 39/98 percent, has been devoted to this episode/constituent. So, advice constituent is the main constituent in Eatesami's tales, and this matter indicates the instructive essence of this work.

Keywords: Macro-structure, Woodbury (1987, cited in Fabb, 1997)-Khazade Amiri (1379) formalistic model, Eatesami's tales, Formalistic linguistics.

References

- Afrasiabay, Faramarz (1380). Linguistic analysis Forough Farrokhzad's poetry. Unpublished MA Thesis, Department of Foreign Languages, Shiraz University.
- Company Zare, Fatemeh (1381). *Linguistic Study of Ferdowsi's Rostam and Sohrab Epic*. Unpublished MA Thesis. Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University.
- Coulthard, M. (1985). *An introduction to discourse analysis*. London: Longman.
- Etesami, Parvin (1386). *Parvin E'tesami's Divan (Tales)*, Afrooz Riahi (editor), 6th ed., Tehran: Jaras.
- Fabb, N. (1997). *Linguistics and literature*. Oxford: Blackwell.

* Instructor of General Linguistics of Payame Noor University, Tehran, Iran
ansari_ayoub@yahoo.com

** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Yasouj University, Yasouj, Iran

*** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 05/10/2016

Accepted: 19/12/2017



-
- Hatch, E. (1992). *Discourse and language education*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Hosseini, Shahid Gholli (1379). *Discourse analysis of Turkish Lyric poems*. Unpublished MA Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University.
 - Khanzadeh Amiri, Nahid (1379). *Linguistic analysis of Mantegh al-Ta'rib based on the Formalistic and Functionalistic Approaches*. Unpublished M.A Thesis. Shiraz University.
 - Labove, W. & Waltzky, J. (1967). Narrative analysis: oral versions of personal experience. In j. Helm (ed.), *Essays on the verbal and visual arts*. Proceedings of the American ethnological society. Seattle: University of Washington Press.
 - Lotfi Pour Saeedi, Kazem (1371). "An introduction to discourse analysis", *Journal of Linguistics*, Number 1, Year 9.
 - Mobashernia, R. (1371/1992). *A Discourse Analysis of Scientific Writings in English and Persian with Concentration on Medical Texts*. Unpublished M. A. thesis, Shiraz University .
 - Momeni, Auzu.(2001). *Discourse analysis of Jalal Al-Ahmad's Story in Micro and Macro levels*, Unpublished M.A Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University.
 - Shahbazi, Iraj (1378). *Discourse and Textual Analysis of Saadi's Romantic Lyrics*. Unpublished M.A Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University.
 - Solhju, Ali (1377). *Discourse and translation*. Tehran: Markaz publication.
 - Yarmohammadi, Lotfollah (1372). *Sixteen Articles in Applied Linguistics and Translation*. Shiraz: Nawid.
 - ----- (1374). *Fifteen articles in Contrastive linguistics and making Persian language Structure: Grammar, text and discourse*. Tehran: Rahnama.

بررسی ساخت کلان (چارچوب فکری) دیوان پروین اعتصامی بر اساس رویکرد زبان‌شناختی صورت‌گرا

ایوب انصاری*، علی‌رضا شانظری** و سید علی سراج***

چکیده

هدف از این پژوهش مطالعه چارچوب فکری-صوری دیوان پروین اعتصامی با تکیه بر اصول یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است. زبان‌شناسی، مطالعه علمی و بررسی متنی و گفتمانی زبان است و همچون سایر علوم تقسیمات و انشعابات یافته‌ها که زبان‌شناسی کلان نیز یکی از این شاخه‌هاست. در این نوع بررسی‌ها، متن از لحاظ روابط فراجمله‌ای مطالعه می‌شود، و از این طریق، روابط میان بخش‌های تشکیل‌دهنده یک متن، و ساخت کلان (بافتار) متن مشخص می‌گردد. در تحقیق حاضر، از الگوی وودبری (۱۹۸۷) ° خان‌زاده امیری (۱۳۷۹) استفاده شده و روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیل محتوای کمی است. به طور کلی، تجزیه و تحلیل حکایات در سطح ساخت کلان نشان داده است که در ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی چارچوب ارائه‌شده در الگوی مذکور قابل تشخیص است که البته برای تکمیل آن، تغییرات و اصلاحاتی نیز صورت گرفته است. از نتایج به‌دست‌آمده در این بررسی مشخص شد که سازه پندواندرز در دیوان پروین اعتصامی محوریت دارد. از مجموع ۶۸۲۴ مصراع بررسی‌شده ۲۷۲۸ مصراع به سازه پندواندرز اختصاص دارد که ۳۹/۹۷ درصد از کل مصراع‌ها را شامل می‌شود. بنا براین سازه پندواندرز، سازه محوری و اصلی در ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی تلقی می‌شود که این موضوع خود نشان‌دهنده ماهیت تعلیمی اثر مذکور است.

کلیدواژه‌ها: ساخت کلان، الگوی وودبری (۱۹۸۷)، نقل شده در فب، (۱۹۹۷) - خان‌زاده امیری (۱۳۷۹)، دیوان پروین اعتصامی، زبان‌شناسی صورت‌گرا

۱. مقدمه

بررسی ساخت کلان^۱ از جمله مباحث مهم تجزیه و تحلیل گفتمان^۲ و متن است. این گونه مطالعات برای تمام انواع متن‌ها اعم

ansari_ayoub@yahoo.com

a.shanazari@yahoo.com

Ali_seraj@yahoo.com

* مربی زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

Copyright © 2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

¹ macro-structure

² discourse analysis

از گفتاری و نوشتاری مناسب است و حوزه‌های مختلف از جمله متون ادبی را شامل می‌شود. بنابراین «طرح‌واره»^۱ در زبان عامل تفکیک متون گوناگون داستانی، توصیفی، گزارشی، جدلی و غیره از یکدیگر است. متن‌های مختلف بر اساس چگونگی برقراری ارتباط میان موضوع^۲، گزاره‌ها^۳ و سایر اطلاعات در درون آنها برای ایجاد متنی واحد از یکدیگر قابل تشخیص‌اند؛ این ساختار زیربنایی که گفتمان را سازمان‌دهی می‌کند، چارچوب فکری یا ساخت کلان است. دو نوع عمده چارچوب فکری وجود دارد: یکی صوری^۴ و دیگری محتوایی^۵. در چارچوب فکری-صوری مراحل شکل‌گیری انجام کار و تکمیل داستان بررسی می‌شود؛ یعنی اینکه چگونه اجزای داستان یا وقایع آن در انسجام و یکپارچه‌سازی و کلیت‌بخشیدن به آن در کنار هم قرار می‌گیرد؛ اما در چارچوب فکری-محتوایی، مضمون و محتوا بررسی می‌گردد (یارمحمدی، ۱۳۷۴)؛ بررسی حاضر از نوع توصیفی و روش تحقیق تحلیل محتوای کمی است.

در این تحقیق، بر اساس الگوی ترکیبی صورت‌گرای وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در فب، ۱۹۹۷) ° خان‌زاده امیری (۱۳۷۹)، چارچوب فکری-صوری دیوان پروین اعتصامی که نوعی گفتمان‌گونه روایی ادبی است، مطالعه می‌شود. خان‌زاده امیری (۱۳۷۹) در بررسی ساخت کلان حکایات کتاب *منطق الطیر* عطار نیشابوری، بر اساس الگوی وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در فب، ۱۹۹۷) به وجود پنج سازه^۶ مقدمه، کشمکش، واکنش، نتیجه و پندوانداز و چهار طرح قائل است. وی در بررسی خود در حکایات داستانی دو طرح «الف» و «ب» و در حکایات غیرداستانی دو طرح «پ» و «ت» را ارائه کرده است که طرح «الف» را متشکل از سه سازه اصلی کشمکش، واکنش، نتیجه و دو سازه اختیاری مقدمه و پندوانداز می‌داند که در این طرح علاوه بر سه سازه اصلی، هردو یا یکی از سازه‌های اختیاری نیز وقوع می‌یابد. خان‌زاده امیری (۱۳۷۹)، طرح «ب» را متشکل از سه سازه اصلی کشمکش، واکنش و نتیجه می‌داند و در حکایات غیرداستانی دو طرح «پ» و «ت» را به دست داده است که در طرح «پ» دو سازه مقدمه و پندوانداز و در طرح «ت» پندوانداز غیرمستقیم مطرح شده است. بنا براین چارچوب نظری تحقیق حاضر، ترکیبی از الگوی وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در فب، ۱۹۹۷) و یافته‌های خان‌زاده امیری (۱۳۷۹) است که از آن به الگوی ترکیبی وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در فب، ۱۹۹۷) ° خان‌زاده امیری (۱۳۷۹) یاد می‌شود. در بررسی حاضر سعی شده است که ضمن به دست دادن ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی، پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. آیا ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی در قالب الگوی وودبری-خان‌زاده امیری قابل بررسی است؟
۲. هر سازه از این الگو در سطح ساخت کلان حکایات به طور کلی به چه میزان به کار رفته و پرکاربردترین آن‌ها کدام است؟
۳. ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی به طور کلی با کدام طرح از الگوی وودبری ° خان‌زاده امیری انطباق و همخوانی بیشتری را نشان می‌دهد؟
۴. چه طرح‌هایی در ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی قابل تشخیص است و پرکاربردترین آن‌ها چیست؟

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱- صورت‌گرایی

نیاز به بررسی جوانب گوناگون زبان موجب شده است که زیرشاخه‌هایی از زبان‌شناسی از جمله زبان‌شناسی ادبی ایجاد شود.

^۱ schemata
^۲ topic
^۳ propositions
^۴ formal
^۵ contental

زبان‌شناس ادبی از منظر زبان‌شناسی به ادبیات می‌نگرد و در صدد تحلیل و بررسی متون ادبی بر اساس مکاتب مختلف زبان‌شناسی است. مکاتب صورت‌نگرایی^۱، نقش‌گرایی^۲ و نهضت «نقد نو» از جمله این مکاتب هستند.

به طور کلی در مطالعات ادبی، زبان‌شناسی صورت‌گرا به تعیین خصوصیات کلی صورت زبانی می‌پردازد و درصدد تعیین شیوه‌های کلی به‌کارگیری صورت زبان‌شناختی در صورت ادبی برمی‌آید. به عبارتی، می‌توان گفت که ازجمله مباحث مهم مطرح در زبان‌شناسی صورت‌گرا تحلیل و واکاوی چگونگی معماری یا مهندسی پیکره زبانی انواع متون که بررسی ساخت کلان در این حوزه تبیین می‌شود. ازجمله الگوهای صورت‌گرا در بررسی گفتمان و متن، الگوهای لباو و والتسکی (۱۹۶۷)، هچ (۱۹۹۲)، یارمحمدی (۱۳۷۴) و وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در فب، ۱۹۹۷) را می‌توان برشمرد (خانزاده امیری، ۱۳۷۹).

۲-۲- گفتمان و متن

بررسی ساخت کلان حکایات دیوان پروین اعتصامی، نوعی تجزیه و تحلیل گفتمانی محسوب می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که گفتمان، ساخت یا بافت زبان را در مراحل بالاتر از جمله در نظر می‌گیرد و به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد. صلح‌جو (۱۳۷۷)، یارمحمدی (۱۳۷۲) و فرهنگ زبان‌شناسی کاربردی لانگمن (۱۳۷۱) در این مورد اتفاق نظر دارند، برای مثال، شهبازی (۱۳۸۷: ۲۰) به نقل از یارمحمدی (۱۳۷۲) می‌نویسد:

هدف تجزیه و تحلیل گفتمان آن است که کلام مرتبط پیوسته معنی‌دار بالاتر از جمله را توصیف کند و ساخت و بافت زبان را در مراحل بالاتر از جمله مورد واکاوی و بررسی قرار دهد. لذا تجزیه و تحلیل گفتمانی، ساخت و بافت پاراگراف، مقاله، داستان، گفت‌وگو، آگهی، دعوت‌نامه، سرمقاله و حتی رباعی و ... را بررسی و توصیف می‌کند.

۲-۲-۱- عوامل و علل پیدایش تجزیه و تحلیل گفتمان و متن

شهبازی (۱۳۷۸) به نقل از لطفی‌پور ساعدی (۱۳۷۱) به هشت مورد از این عوامل اشاره کرده است: (۱) تغییر نگرش در مطالعه زبان (۲) نظریه کنش‌های گفتاری^۳ (۳) مکتب پراگ^۴ (۴) فرضه استنباطی گرایس^۵ ارتباط‌شناسی قومی^۶ (۶) تجزیه و تحلیل مکالمات طبیعی در زبان (۷) زبان‌شناسی متن^۷ (۸) روان‌شناسی شناخت و هوش مصنوعی.

برای مطالعه بیشتر می‌توان به کولتارد (۱۹۸۵)، لطفی‌پور ساعدی (۱۳۷۱) و همچنین شهبازی (۱۳۸۷: ۲۹) رجوع کرد.

۲-۲-۲- مسائل و مباحث تجزیه و تحلیل متن و گفتمان

شهبازی (۱۳۸۷: ۳۰) براساس یارمحمدی (۱۳۷۴) در تجزیه و تحلیل گفتمان و متن به پنج مبحث اصلی اشاره دارد که عبارت‌اند از: « (۱) استراتژی‌های آغازگری^۸ (۲) بافت توزیع اطلاعات^۹ (۳) عوامل انسجامی^{۱۰} (۴) ساخت کلان (بافتار) (۵) شبه‌زبانی^{۱۱}».

در مورد ساخت کلان، اصطلاحات و تعاریفی چند ارائه شده است از جمله طرح‌واره، طرح زیربنایی گفتمان‌گونه، ساخت

^۱ formalism

^۲ functionalism

^۳ speech act theory

^۴ prague School

^۵ grecean implicature hypothesis

^۶ ethnomethodology

^۷ text linguistics

^۸ thematization strategies

^۹ information structure

^{۱۰} cohesive device

^{۱۱} paralinguistic

گفتمان، ساخت معانی-بیان^۱، چارچوب فکری، تجزیه و تحلیل گفتمانی، ساختار رتوریک (بلاغی) و طرح زیربنایی نوع ادبی که همه آن‌ها به ساختار زیرین و بنیادینی که نظام و سازماندهی یک متن یا گفتمان را تبیین و تفسیر می‌کند، اطلاق می‌شود (حسینی، ۱۳۷۹). همچنین، یارمحمدی (۱۳۷۴) معتقد است که گوینده یا نویسنده به هنگام تولید یک متن با توجه به معرفت زمینه‌ای و اطلاعاتی که ظاهراً بین او و خواننده مشترک است، از قالب خاصی برای ارائه مطلب استفاده می‌کند. بنابراین، طرح‌واره‌ها بیانگر ساختارهایی هستند که وقایع ارتباطی براساس آنها در ذهن انسان‌ها ذخیره شده‌اند و جست‌وجو و ضبط آنها بخشی از بررسی‌های گفتمانی را تشکیل می‌دهد. یارمحمدی (۱۳۷۴) به معرفی دو نوع عمده چارچوب فکری-صوری و چارچوب فکری-محتوایی پرداخته است که به طور خلاصه در چارچوب فکری^۲ صوری، چگونگی قرار گرفتن اجزای یک متن در کنار هم و در چارچوب فکری^۳ محتوایی، مضمون و محتوای یک متن یا اثر بررسی می‌شود. وی در ادامه می‌نویسد: طبیعی است که نوشته‌های مختلف می‌توانند چارچوب فکری^۴ صوری متفاوت داشته باشند؛ برای مثال برای یک مقاله علمی که نوعی مقاله جدلی است می‌توان حداقل سه جزء متصور شد: (۱) ادعا^۲ (۲) جدل^۳ نتیجه^۴. اگر اندکی تعمق کنیم، می‌بینیم که این روند تا حد زیادی طبیعت تفکر آدمی را نشان می‌دهد. باید این طور باشد که مغز انسان تجارب سازمان‌یافته گذشته را تحت فرایند تعمیم به موارد جدید تسری می‌دهد و انتظار ایجاد می‌کند. از طرفی آن قسمتی از گنجینه گذشته را به خدمت می‌گیرد که با مسئله موردنظر مرتبط باشد (۵۵)

۲-۳- مروری بر پیشینه مطالعات گفتمانی و متنی

یارمحمدی (۱۳۷۴) در مقاله‌ای ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام را بررسی کرده و برای هر رباعی خیام به وجود سه سازه توصیف، توصیه و تعلیل قایل شده است. همچنین مؤمنی (۱۳۸۰) به تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد در دو سطح خرد و کلان پرداخته است و چنین نتیجه‌گیری کرده است که بررسی داستان مذکور یک بار دیگر مؤید نظر هج (۱۹۹۲) در باب بررسی گفتمانی داستان و یافتن چارچوب فکری نویسنده بوده است. ذکر و توضیح بیشتر مطالعات انجام‌شده در این زمینه از حوصله چنین مقاله‌ای خارج است، بنابراین در این زمینه تنها به ذکر «تجزیه و تحلیل زبان‌شناختی اشعار فروغ فرخزاد» توسط افراسیابی (۱۳۸۰)، «بررسی زبان‌شناختی حماسه رستم و سهراب فردوسی» از کمپانی زارع (۱۳۸۱)، «مطالعه گفتمانی نوشته‌های علمی در انگلیسی و فارسی با تأکید بر متون پزشکی» توسط مبشر نیا (۱۳۷۱/۱۹۹۲) بسنده می‌شود.

از آنجا که در زمینه بررسی زبان‌شناختی ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است، در بررسی حاضر با استفاده از الگوی ترکیبی و ودبری-خان‌زاده امیری که پیشتر توضیح داده شد این مهم انجام شده است؛ با این هدف که چارچوب فکری شاعر در این اثر فاخر ادبی به دست داده شود و چگونگی ارتباط، توزیع و دیگر ویژگی‌های سازه‌های الگوی فوق در کل اثر بررسی گردد.

۳- روش تحقیق

به طور کلی، بررسی حاضر از نوع توصیفی و روش تحقیق، تحلیل محتوای کمی است.

۳-۱- پیکره زبانی مورد بررسی (داده‌های تحقیق)

نسخه مورد استفاده در این تحقیق، دیوان پروین اعتصامی به کوشش افروز ریاحی است. در بررسی حاضر، از مجموع

¹ rhetorical structure

² thesis

³ argumentation

⁴ coda

۱۴۳ عنوان دیوان پروین اعتصامی، ۱۲۹ عنوان یعنی اکثریت یا بیش از سه چهارم عناوین واکاوی و تحلیل شده است (نشانی و مختصات داده‌های تحلیل‌شده در پیوست شماره (۱) ذکر شده است).

۳-۲- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح ساخت کلان

به طور کلی، در این بررسی سعی شده است که براساس ویژگی‌های ارائه‌شده از هر سازه در الگوی وودبری (۱۹۸۷)، نقل-شده در فب، (۱۹۹۷) ° خان‌زاده امیری (۱۳۷۹)، به شناسایی و تشخیص اجزای تشکیل‌دهنده دیوان پروین اعتصامی پرداخته شود. در شناسایی و مرزبندی سازه‌ها در حکایات داستانی در این الگو از عامل زبانی تداوم و عدم تداوم^۱ در روایت^۲ داستانی استفاده شده است؛ فب (۱۹۹۷) بررسی تداوم و عدم تداوم را مستلزم بررسی موقعیت‌های^۳ موجود در گسترش طولی^۴ داستان می‌داند.

لباو و والتسکی بر این باورند که در ساختار روایت، گسترش طولی داستان زنجیره‌ای از وقایع را در بر می‌گیرد که هسته داستان را تشکیل می‌دهد و عبارات گسترش طولی از سایر عبارات (مثلاً برای دادن اطلاعات محیطی و غیره) تمیز داده می‌شوند (فب، ۱۹۹۷). در قسمت‌های مربوط به گسترش عرضی^۵ داستان، معمولاً به فضاسازی (مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی) پرداخته می‌شود و مکان^۶، زمان^۷ و شرکت‌کنندگان^۸ توصیف و معرفی می‌شوند. قسمت‌هایی که در گسترش عرضی داستان قرار می‌گیرند، نشان‌دهنده ترتیب یا توالی زمانی^۹ رویدادها یا زنجیره وقایع داستان نیستند و اجزای این قسمت‌ها را می‌توان تا حدودی حرکت داد یا جابجا کرد، بدون آنکه در زنجیره وقایع داستان خللی ایجاد شود. به طور کلی، قسمت‌های گسترش طولی به «چه می‌شود»^{۱۰} و قسمت‌های گسترش عرضی به «چه هست»^{۱۱} اختصاص دارد (فب، ۱۹۹۷).

همچنین گسترش طولی داستان زنجیره‌ای از موقعیت‌هاست و هر موقعیت اجزایی از قبیل زمان، مکان و شرکت‌کنندگان را داراست که با تغییر در اجزای موقعیت یا خود موقعیت به طور کلی، نوعی عدم تداوم به وجود می‌آید (فب، ۱۹۹۷). در این بررسی، در اغلب حکایات زمان و مکان یا ذکر نشده یا تا پایان حکایات ثابت مانده است، ولی شخصیت‌ها در طول داستان مرتباً تغییر می‌کنند؛ به این معنی که در قسمتی از حکایات محوریت و مرکزیت با یک شخصیت است و در قسمتی دیگر با شخصیت دیگر و این موضوع نشان‌دهنده تداوم و انقطاع در شخصیت مرکزی داستان است که بین قسمت‌های مختلف داستان مرزبندی ایجاد می‌کند. خان‌زاده امیری (۱۳۷۹: ۹۱) نیز از این شیوه استفاده کرده است و در این باره می‌نویسد: «مرز میان موقعیت‌ها، حضور مجدد شخصیت مرکزی است که عامل جداکننده بخش‌هاست».

در بررسی حاضر، علائم اختصاری «م»، «ک»، «و»، «ن»، «ت»، «ا»، «تو» و «پ» به ترتیب سازه‌های مقدمه، کشمکش، واکنش، نتیجه، تک‌گویی، ارزیابی، توصیف و پندواندرز را نشان می‌دهند؛ برای مثال در حکایت شماره ۶۶ (مرغ زیرک) مصراع‌های شماره ۱۷ تا شماره ۳۲ در گسترش طولی داستان قرار دارند. مصراع‌های شماره ۱۷ تا شماره ۱۸ مصراع‌هایی هستند که سازه کشمکش را نشان می‌دهند؛ مصراع‌های شماره ۹ تا ۳۲ مصراع‌هایی هستند که بیانگر سازه واکنش‌اند و مصراع‌های شماره ۲۳ تا ۳۲، سازه نتیجه را نشان می‌دهند.

¹ continuity and discontinuity

² narrative

³ situation

⁴ storyline

⁵ non-storyline

⁶ location

⁷ time

⁸ participants

⁹ temporal order

¹⁰ what happens?

¹¹ what is?

نظر کرد روزی به گسترده دامی
 به کردار نطعی، زخون سرخ‌فامی
 همه نقش زیباش، روشن ظلامی
 به هر ذره نوری، حدیثی ز شامی
 به کشتن حریصی، به خون تشنه کامی
 نئش بیم ننگی، نه پروای نامی
 گلوی تذروی و بال حمامی
 به صیاد داد از بلندی سلامی
 که دارد شکوه و صفای تمامی
 فرود آی از بهر گشت و خرامی
 ز سر گشتگی‌های عمر حرامی
 که مشتی نخ است و ندارد دوامی
 از آن کو نهد سوی این خانه گامی
 نبخشیم چیزی، نخواهیم وامی
 مرا داده است از بلای پیامی
 تو آتش نگه‌دار از بهر خامی
 (ص ۲۶۳).

یکی مرغ زیرک زکوتاه بامی
 بسان ره اهرمن پیچ پیچی
 همه پیچ و تابش، عیان گیر و داری
 به هر دانه ای قصه ای از فریبی
 به پهلوش صیاد ناخوب‌رویی
 نه عاریش از دامن آلوده کردن
 زمانی فشردی و گاهی شکستی
 (م) از آن خدعه آگاه شد مرغ دانا
 (ک) بپرسید این منظر جان‌فزا چیست
 بگفتا سرایی است آباد و ایمن
 (و) خریدار ملک امان شو چه حاصل
 بخندید کاین خانه نتوان خریدن
 نماند به غیر از پر و استخوانی
 نندید غیر از پر و استخوانی
 به دامن و دست تو هر قطره خون
 (ن) فریب جهان پخته کرده است ما را

بنابراین مصراع‌های شماره ۱۷ تا شماره ۳۲ توالی زمانی خاصی را نشان می‌دهند که با جابجا کردن آنها انسجام داستان به هم می‌ریزد. مصراع شماره ۱ تا ۱۶ سازه مقدمه را در این حکایت تشکیل می‌دهد که با معرفی شخصیت‌ها و مکان، زمینه و فضای داستان را مشخص می‌کند. در این قسمت برای رعایت اختصار به توضیحات و ارائه مثال‌ها ضمن تجزیه و تحلیل داده‌ها اکتفا می‌شود.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تجزیه و تحلیل ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی بر اساس الگوی وودبری- خانزاده، سازه‌های مقدمه، کشمکش، واکنش، نتیجه، تک‌گویی، ارزیابی، توصیف و پندوانداز به دست داده شده‌اند. در سازه مقدمه، به توصیف و معرفی شخصیت‌ها و فضا سازی و ایجاد زمینه و بستر لازم برای شروع داستان پرداخته می‌شود و غالباً نوعی پیش‌درآمد بر سازه کشمکش تلقی می‌شود و شروع و گشایشی بر داستان است و ممکن است یک تا چندین بیت را شامل شود و بعضاً نیز به طور کلی ذکر نشود (مثال: ۱ تا ۱۲ حکایت داستانی شماره ۵۱).

در سازه کشمکش، شخصیت‌های داستان با گره یا مشکلی مواجه می‌شوند که در اغلب حکایات در قالب پرسش یا مسئله‌ای مطرح شده است و این کشمکش اغلب از نوع کشمکش بیرونی است، به این معنی که درگیری‌های شخصیت قصه با اشخاص و اطرافیان و به طور کلی‌تر با عوامل پیرامونی و محیطی است و در سازه واکنش، عکس‌العمل، پاسخ‌گویی یا گره‌گشایی مطرح می‌شود که توسط خود شخصیت درگیر با مشکل یا گره یا دیگر شخصیت‌های دخیل در داستان ارائه می‌شود. در اغلب حکایات کشمکش و واکنش مطرح شده در داستان در قالب پرسش و پاسخ میان شخصیت‌ها نمود یافته است (مثال: مصراع‌های ۱۳ تا ۲۸ حکایت داستانی شماره ۲۱).

در این بررسی، سازه نتیجه پایان‌بندی قصه کوتاه مطرح شده در داستان و بعضاً حاصل و نتیجه کشمکش و واکنش مطرح شده در داستان است (مثال: مصراع‌های ۲۳ تا ۳۲ از حکایت داستانی شماره ۶۶). به طور کلی در سازه تک‌گویی اندرژگونه، شاعر سخنی از شخصیتی ذکر کرده که به دو صورت در روساخت حکایات نشان داده شده است: الف) شاعر سخنی از شخصیتی خطاب به شخصیت یا شخصیت‌های دیگری ذکر کرده است (حکایت غیرداستانی شماره ۸۷). ب) شاعر سخنی از شخصیتی آورده است که در آن به شخصیت دیگری خطاب نشده است (حکایت غیرداستانی شماره ۸۳). شاعر در دو قسمت از دیوان خود که در نسخه مورد بررسی با عناوین «نوروز» و «سفر اشک» و به ترتیب با شماره‌های ۱۳۶ و ۸۶ در صفحات ۲۸۵ و ۱۲۹ مشخص شده‌اند، تماماً به وصف و توصیف پدیده یا جریانی، حادثه‌ای، واقعه‌ای و غیره پرداخته و به تشریح و توضیح و بسط مختصات و ویژگی‌های آن مبادرت ورزیده است که در این بررسی به دلیل تشابه این قسمت‌ها با آنچه یارمحمدی (۱۳۷۴) در بررسی ساخت کلان رباعیات خیام به دست داده است، از آن به عنوان سازه «توصیف» یاد می‌شود.

همچنین در دو حکایت داستانی، پس از سازه کشمکش و قبل از واکنش، بخشی گنجانده شده که نشان‌دهنده پایان کشمکش و شروع یا بروز واکنش است و به نحوی مشکل، گره یا کشمکش پیش‌آمده را ارزیابی می‌کند. کمپانی زارع (۱۳۸۱): ۲) در تشریح الگوی لباو و والتسکی (۱۹۶۷) که در بررسی ساخت کلان حماسه رستم و سهراب فردوسی از آن استفاده کرده است، درباره سازه ارزیابی می‌نویسد: «نشانه‌هایی که رسیدن مرحله حل مشکل یا پایان کشمکش را مشخص می‌کنند، با عنوان ارزیابی مشخص می‌شوند. ارزیابی، شنونده را برای مرحله حل مشکل آماده می‌کند».

در سازه پندواندرز، شاعر (راوی) خواننده را از فضای داستان خارج می‌کند و پندواندرز می‌دهد. سازه تک‌گویی در حکایات غیرداستانی کاربرد یافته است. در بررسی حاضر، مصراع‌هایی که در سازه پندواندرز قرار می‌گیرند و بعضی از مصراع‌هایی که در سازه مقدمه به توصیف شخصیت‌ها یا مکان و زمان و شرایط می‌پردازند، معمولاً توالی زمانی خاصی را نشان نمی‌دهند و همچنین جابجایی آنها (اغلب در حیطه همان سازه)، خللی در روند داستان به وجود نمی‌آورد. بنا براین، این دو قسمت گسترش عرضی داستان را و سازه‌های کشمکش، واکنش و نتیجه گسترش طولی داستان را نشان می‌دهند. حکایت داستانی زیر (شماره ۵۱) نمونه‌ای از سازه‌های مقدمه، کشمکش، واکنش و پندواندرز را به تصویر می‌کشد.

به راهی در سلیمان دید موری	که با پای ملخ می‌کرد زوری
به زحمت خویش را هر سوکشیدی	وز آن بار گران هر دم خمیدی
ز هر گردی برون افتادی از راه	ز هر بادی پریدی چون پرکاه
چنان در کار خود یکرنگ و یکدل	که کارآگاه اندر کار مشکل
چنان بگرفته راه سعی در پیش	که فارغ گشته از هر کس جز از خویش
<u>(م) نئش پروای از پای اوفتادن</u>	نئش سودای کار از دست دادن
به تندی گفت کای مسکین نادان	چرایبی فارغ از ملک سلیمان
مرا در بارگاه عدل خوان‌هاست	به هر خوان سعادت میهمان‌هاست
بیا ز این ره به قصر پادشاهی	بخور در سفره ما هر چه خواهی
به خار جهل پای خویش مخراش	به راه نیک‌بختان آشنا باش
ز ما هم عشرت آموز و هم آرام	چو ما هم صبح خوش‌دل باش و هم شام
چرا باید چنین خونابه خوردن	تمام عمر خود را بار بردن
ره است اینجا و مردم ره‌گذارند	مبادا بر سرت پایی گذارند

میازار از برای جسم جان را
 که موران را قناعت خوش‌تر از سور
 نوال پادشاهان را نخواهند
 که ما را از سلیمان بی‌نیازی است
 که خود هم توشه داریم و هم انبار
 ز سرمای دی و تاراج بهمن
 به حکم کس نمی‌گردیم محکوم
 من این پای ملخ ندم به صد گنج
 ز دیهیم و خراج هفت کشور
 ز مور آموز رسم بردباری
 مکن کاری که هشیاران بخندند
 ره امروز را مسپار فردا
 که شد پیرایه پیری جوانی
 منه پای از گلیم خویش بیرون
 نکوبد هیچ دستی بر سرت مش
 نباید جز به خود محتاج بودن
 سلیمانی است کاندلر شکل موری است
 (ص ۱۹۵).

(ک) مکش بیهوده این بار گرن را
 بگفت از سور کمتر گوی با مور
 چو اندر لانه خود پادشاهند
 برو جایی که جای چاره سازی است
 نیفتد با کسی ما را سر و کار
 به جای گرم خود هستیم ایمن
 چو ما خود خادم خویشیم و مخدوم
 مرا امید راحت‌هاست زین رنج
 (و) مرا یک دانه پوسیده خوشتر
 گرت همواره باید کامکاری
 مرو راهی که پایت را ببندند
 گه تدبیر عاقل باش و بینا
 بکوش اندر بهار زندگانی
 حساب خود نه کم گیر و نه افزون
 اگر زین شهد کوتاه داری انگشت
 چه در کار و چه در کار آزمودن
 (پ) هر آن موری که زیر پای زوری است

همچنان که از حکایت فوق قابل تشخیص است، سازه‌های مقدمه و پندواندرز گسترش عرضی داستان را نشان می‌دهند و جایجایی اغلب مصراع‌ها در این سازه‌ها، خللی در روند وقایع داستان ایجاد نمی‌کنند. سازه‌های پندواندرز در بررسی حاضر، از حیث تعداد ابیات و تعداد سازه‌ها میزان بالاتری دارد و این موضوع را می‌توان نشان‌دهنده اهمیت اساسی این سازه در کلیت حکایات، هدف اصلی شاعر از بیان آنها و ماهیت تعلیمی دیوان پروین اعتصامی دانست. برای رعایت اختصار، در ادامه این قسمت طرح کلی بافتار دیوان پروین اعتصامی، تعداد و درصد سازه‌ها و مصراع‌های آنها در کل دیوان و طرح‌های موجود در بافتار آن در جدول‌های (۴-۱) تا (۴-۵) ارائه شده‌اند. (در جدول زیر برای رعایت اختصار حداکثر دو نمونه از هر طرح ارائه می‌شود و طرح کامل و کلی بافتار دیوان پروین اعتصامی در جدول ضمیمه شماره یک نشان داده می‌شود).

جدول ۴-۱- طرح کلی بافتار دیوان پروین اعتصامی

شماره	سازه‌ها	ابیات سازه‌ها
حکایات داستانی		
۱	م ک و	(1-2) (3-30) (31-58)
۲	م ک و	(1) (2-18) (19-64)
۵۱	م ک و پ	(1-12) (13-28) (29-44) (45-60)
۵۲	م ک و پ	(1-2) (3-30) (31-56) (57-76)
۶۴	م ک و ن پ	(1) (2-42) (43-64) (65-68) (69-78)

(1) (2-6) (7-10) (11-34) (35-36)	م ک و ن پ	۶۵
((1-16) (17-18) (19-22) (23-32)	م ک و ن	66
((1) (2-4) (5-20) (21-24)	م ک و ن	67
((1-2) (3-4) (5-6) (7-16) (17-30) (31-44)	م ک و ک و پ	68
(1-52) (53-55) (56-82) (83-100) (101-126) (127-156)	م ک و ک و پ	69
((1-46) (47-50) (51) (52-56) (57-62)	پ م ک و پ	70
((1) (2-4) (5-80)	ک و پ	71
(1-2) (3-6) (7-14) (15-26) (27-34) (35-40) (41-96)	م ک و ک و ک و	72
(1-26) (27-30) (31-48) (49-50) (51-54) (55-66) (67-80)	م ک و ک و ن پ	73
(1-14) (15-26) (27-66) (67-90) (91-92) (93-94) (95-106) (107-110) (111-124)	م ک و ن ک و ک و ن	74
(1) (2-28) (29-36) (37-46) (47-58) (59-62) (63-68) (69-76)	م ک و ن ک و ن پ	75
(1-2) (3-6) (7-8) (9-10) (11-12) (13-22) (23-26) (27-36)	م ک و ن م ک و پ	76
((1-2) (3-4) (5-6) (7-10) (11-16)	م ک و و پ	77
((1-2) (3-8) (9-10) (11-74)	م ک ا و	78
(1-2) (3-54) (55-70) (71-74) (75-110) (111-116) (117-120) (121-138)	م ک و ن ک ا و ن	79
(1-2) (3) (4) (5) (6) (7) (8) (9) (10) (11) (12) (13) (14-46)	م ک و ک و ک و ک و ک و ک و	80
حکایات غیرداستانی		
(1-38)	ت (تک‌گویی اندرزگونه)	81
((1-42)	ت	82
((1-26)	ت	83
((1-34) (35-36)	ت پ	88
((1-2) (3-68)	ت پ	89
غیر حکایات		
((1-14)	پ	90
((1-22)	پ	91
((1-13)	تو (توصیف)	128
((1-17)	تو	129

جداول زیر تعداد و درصد مصراع‌های سازه‌های جستجو شده را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۲- تعداد و درصد مصراع‌های سازه‌ها در دیوان پروین اعتصامی

سازه‌ها	تعداد مصراع‌ها در کل دیوان	درصد
مقدمه	۴۵۰	۶/۵۹
کشمکش	۱۰۸۹	۱۵/۹۶
واکنش	۲۰۲۷	۲۹/۷۰
نتیجه	۱۳۲	۱/۹۳
تک‌گویی	۳۶۰	۵/۲۸
ارزیابی	۸	۰/۱۲
توصیف	۳۰	۰/۴۴
پندواندرز	۲۷۲۸	۳۹/۹۷
جمع	۶۸۲۴	۱۰۰

همچنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود، سازه‌های پندواندرز، واکنش، کشمکش، مقدمه، تک‌گویی، نتیجه، توصیف و ارزیابی به ترتیب از حیث تعداد مصراع‌ها بیشترین مقادیر را در کل دیوان پروین اعتصامی شامل می‌شوند. از مجموع ۶۸۲۴ مصراع کل دیوان، ۲۷۲۸ مصراع، یعنی ۳۹/۹۷ درصد از کل مصراع‌ها به سازه پندواندرز اختصاص یافته است. بنابراین، این سازه در حکایات داستانی، غیرداستانی و کل حکایات بیشترین تعداد مصراع‌ها را دارد که این موضوع خود حاکی از ماهیت تعلیمی این دیوان و محوریت سازه پندواندرز در ساخت کلان این اثر ادبی است.

جدول ۴-۳- تعداد و درصد سازه‌ها در دیوان پروین اعتصامی

سازه‌ها	تعداد در کل دیوان	درصد
مقدمه	۸۰	۱۹/۵۶
کشمکش	۹۵	۲۳/۲۳
واکنش	۹۶	۲۳/۴۷
نتیجه	۱۲	۲/۹۳
تک‌گویی	۹	۲/۲۰
ارزیابی	۲	۰/۴۹
توصیف	۲	۰/۴۹
پندواندرز	۱۱۳	۲۷/۶۳
جمع	۴۰۹	۱۰۰

همچنانکه در جدول فوق آمده است، از مجموع ۴۰۹ سازه به‌دست‌آمده از بررسی کل دیوان، ۱۱۳ سازه، یعنی ۲۷/۶۳ درصد از کل سازه‌ها به سازه پندواندرز اختصاص یافته است. پس از سازه پندواندرز، سازه‌های واکنش و کشمکش، تقریباً به طور مساوی نسبت به دیگر سازه‌ها به میزان بیشتری کاربرد یافته‌اند. پس از این دو سازه، سازه‌های مقدمه، نتیجه و تک‌گویی

به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند و بعد از اینها، سازه‌های توصیف و ارزیابی به یک میزان به کار رفته‌اند. بنا براین سازه پندواندرز در میان دیگر سازه‌ها بیشترین امکان وقوع را داشته و همچنانکه ذکر شد، این موضوع مبین اهمیت و محوریت سازه پندواندرز و ماهیت تعلیمی دیوان پروین اعتصامی است.

جدول ۴-۴- طرح‌های اصلی موجود در بافتار حکایات داستانی

شماره طرح	سازه‌ها	تعداد حکایات داستانی	درصد
۱	م ک و	۵۰	۶۲/۵
۲	م ک و پ	۱۳	۱۶/۲۵

افزون بر دو طرح اصلی فوق، چهارده طرح دیگر نیز به دست داده شده است که سه طرح آن هر کدام در دو حکایت و ۲/۵ درصد از کل حکایات داستانی و یازده طرح آن هر کدام در یک حکایت و ۱/۲۵ درصد از کل حکایات داستانی مشاهده شده است که سه طرح نخست شامل طرح‌های (م ک و ن پ)، (م ک و ن)، (م ک و ک و پ) و یازده طرح دیگر شامل طرح‌های (م ک و ک و و)، (م ک و ک و ن پ)، (م ک و ن ک و و ن)، (م ک و ن ک و ن پ)، (م ک و ن م ک و پ)، (ک و پ)، (پ م ک و پ)، (م ک و و پ)، (م ک ا و)، (م ک و ن ک ا و ن) و (م ک و ک و ک و و ک و و) است. از آنجا که چهارده طرح مذکور، هر کدام در تعداد محدودی از حکایات (یک تا دو حکایت) به کار رفته‌اند، در این بررسی به این طرح‌ها، طرح‌های فرعی اطلاق می‌شود.

جدول ۴-۵- طرح‌های موجود در بافتار حکایات غیرداستانی

شماره طرح	سازه‌ها	تعداد حکایات غیرداستانی	درصد
۱	ت	۷	۷۷/۸
۲	ت پ	۲	۲۲/۲

در حکایات غیرداستانی، بر اساس نوع و ترتیب وقوع سازه‌ها در بافتار حکایات دو طرح به دست آمده است که ۷ حکایت، یعنی ۷۷/۸ درصد از کل حکایات غیرداستانی در قالب طرح شماره (۱) تبلور یافته‌اند. در این طرح حکایات شامل تک‌گویی اندرزگونه است. طرح دوم در دو حکایت، یعنی ۲۲/۲ درصد از کل حکایات غیرداستانی مشاهده شده است که در این طرح به ترتیب از سازه‌های تک‌گویی و پندواندرز استفاده شده است. بنابر این در اغلب حکایات غیرداستانی، شاعر با ذکر تک‌گویی اندرزگونه به ارائه طریق پرداخته است و این طرح، طرح غالب در حکایات غیرداستانی تلقی می‌شود و چارچوب فکری این نوع حکایات به طور کلی در قالب این طرح تبلور یافته است.

نتیجه

در این قسمت ابتدا سؤال‌های تحقیق می‌آید و در ادامه به هر کدام از این سؤالات به طور جداگانه پاسخ داده می‌شود:

- ۱- آیا سطح کلان دیوان پروین اعتصامی در قالب الگوی وودبری-خانزاده قابل بررسی است؟
- ۲- وقوع هر سازه از این الگو در سطح کلان دیوان پروین اعتصامی به طور کلی به چه میزان به کار رفته و پرکاربردترین آنها کدام است؟
- ۳- ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی بطور کلی با کدام طرح از الگوی وودبری-خانزاده انطباق و همخوانی بیشتری نشان می‌دهد؟

۴- چه طرح‌هایی در ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی قابل تشخیص‌اند و پرکاربردترین آنها کدام‌اند؟

توضیحات و پاسخ‌های مربوط به سؤال‌های فوق به ترتیب و به طور جداگانه به صورت زیر ارائه می‌شود:

۱. به طور کلی، ساخت کلان دیوان پروین اعتصامی بر اساس الگوی وودبری - خانزاده قابل بررسی است. الگوی به‌دست‌آمده بر اساس بررسی دیوان پروین اعتصامی از جهات زیر با الگوی وودبری - خانزاده متفاوت است. سازه «مقدمه» در الگوی مذکور به دو سازه «مقدمه» و «تک‌گویی» تفکیک شده است. در الگوی وودبری - خانزاده سازه مقدمه در برخی از حکایات داستانی و تمامی حکایات غیرداستانی کاربرد یافته که در بررسی حاضر، سازه مقدمه فقط در حکایات داستانی و سازه تک‌گویی در تمامی حکایات غیرداستانی به کار گرفته شده‌اند. همچنین در این بررسی، ساخت کلان برخی از حکایات غیرداستانی تنها از یک سازه «تک‌گویی اندرزگونه» تشکیل شده است. سازه نتیجه در الگوی مذکور، پایان قصه کوتاه مطرح شده در داستان است. همچنین، این سازه بعضاً حاصل و نتیجه کشمکش و واکنش داستان است. سازه کشمکش که در الگوی مذکور اغلب از نوع درونی است، در بررسی حاضر، بیشتر از نوع بیرونی است. حداقل سازه‌های ساخت کلان حکایات داستانی در الگوی مذکور، سه سازه کشمکش، واکنش و نتیجه است که در بررسی حاضر دو سازه کشمکش و واکنش، اصلی تلقی می‌شوند. تکرار سازه‌ها در این بررسی، از دیگر وجوه این تمایزند. بجز موارد فوق، تمامی سازه‌های الگوی وودبری - خانزاده با الگوی به‌دست‌آمده در این مقاله یکسان است.

۲. همچنان که در جدول‌های (۴-۲) و (۴-۳) آمده است، از مجموع ۶۸۲۴ مصراع بررسی‌شده در تحقیق حاضر، ۲۷۲۸ مصراع، یعنی ۳۹/۹۷ درصد از کل مصراع‌ها به سازه پندواندرز اختصاص یافته است و همچنین از مجموع ۴۰۹ سازه به‌دست‌آمده، ۱۱۳ سازه یعنی ۲۷/۶۳ درصد از کل سازه‌ها به این سازه تعلق دارد. بنابراین، سازه پندواندرز، سازه محوری و اساسی در دیوان پروین اعتصامی است. از لحاظ تعداد مصراع‌ها، سازه‌های پندواندرز، واکنش، کشمکش، مقدمه، تک‌گویی، نتیجه، توصیف و ارزیابی به ترتیب بیشترین تعداد مصراع‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از لحاظ میزان و تعداد سازه‌ها در کل حکایات، سازه‌های پندواندرز، واکنش، کشمکش، مقدمه، نتیجه و تک‌گویی به ترتیب بیشترین تعداد را دارند و سازه‌های توصیف و ارزیابی بعد از سازه‌های فوق قرار می‌گیرند و به یک میزان کاربرد یافته‌اند.

۳. همچنان که در جداول (۴-۴) و (۴-۵) و توضیحات مربوط به آن‌ها آمده است، دو طرح (م ک و ن)، (م ک و ن پ) از طرح‌های فرعی حکایات داستانی، منطبق بر طرح «الف» از الگوی وودبری - خانزاده است و دیگر طرح‌های ارائه‌شده در الگوی مذکور مشاهده نشده است.

۴. بر اساس نوع و ترتیب وقوع سازه‌ها، دو طرح اصلی و چهارده طرح فرعی در حکایات داستانی و دو طرح در حکایات غیرداستانی به دست داده شده است. طرح‌های مذکور در جداول (۴-۴) و (۴-۵) ارائه شده‌اند. چنانکه در جداول مذکور مشاهده می‌شود، طرح‌های شماره یک از حکایات داستانی و غیرداستانی، طرح‌های غالب در این بررسی هستند؛ به این معنی که در ۵۰ حکایت از ۸۰ حکایت داستانی، یعنی ۶۲/۵ درصد از این حکایات، شاعر با ذکر مقدمه‌ای به طرح کشمکش و واکنشی پرداخته است. همچنین در ۷ حکایت از ۹ حکایت غیرداستانی، یعنی ۷۷/۸ درصد از کل این نوع حکایات، شاعر به ذکر تک‌گویی اندرزگونه پرداخته است. چنانکه پیشتر اشاره شد، در حکایات داستانی، علاوه بر دو طرح اصلی، ۱۴ طرح فرعی به‌دست‌آمده که سه طرح آن هر کدام در دو حکایت و ۲/۵ درصد از کل حکایات داستانی و یازده طرح آن هر کدام در یک حکایت و ۱/۲۵ درصد از کل حکایات داستانی مشاهده شده است که سه طرح نخست شامل طرح‌های (م ک و ن پ)، (م ک و ن)، (م ک و ک و پ) و (م ک و ک و و)، (م ک و ک و و)، (م ک و ک و و)، (م ک و ک و و)، (م ک و ک و و)، (م ک و ک و و)، (م ک و ک و و) است.

بررسی حاضر نشان‌دهنده به‌کارگیری الگویی زبان‌شناختی در مطالعه ادبیات به طور کلی و ادبیات تعلیمی منظوم فارسی به طور اخص است و ضمن اینکه کاربرد زبان‌شناسی را در تجزیه و تحلیل متون ادبی نشان می‌دهد، برداشت‌های کاربردی زیر را نیز در پی دارد:

از نتایج به‌دست آمده از تحقیقاتی از این قبیل، می‌توان در زمینه ترجمه استفاده کرد. به نظر یارمحمدی (۱۳۷۴) بازسازی گفتمان زبان مبدأ در زبان مقصد بخشی از فرآیند ترجمه است که باید به چارچوب گفتمان و متن در دو زبان مبدأ و مقصد در این فرآیند توجه شود. همچنین حسینی (۱۳۷۹: ۱۴۱) در این باره می‌نویسد:

«... مترجم با یافتن ساخت کلان اثر هنری و شناختن چارچوب کلی آن می‌تواند ابتدا گفتمان زبان مبدأ را در زبان مقصد بازسازی نماید و سپس آن را در قالب نحو و واژگان زبان مقصد ارائه کند».

دیگر کاربرد انجام چنین تحقیقاتی را می‌توان در زمینه تدریس دانست. آشنایی با یافته‌های زبان‌شناسی و ویژگی‌های زبانی آثار ادبی می‌تواند مدرس را در امر تدریس و تفهیم یاری کند. خان‌زاده امیری (۱۳۷۹: ۱۰۱) در این باره می‌نویسد:

«اگر به سبک‌شناسی به عنوان یک موضوع نگاه کنیم، آنگاه ابزار مدرس ادبیات، پرداختن به زبان و ادبیات است و اگر سبک‌شناسی را رشته بدانیم، آنگاه پژوهشگر ادبی باید در معرض آموزش زبان‌شناسی، نه تنها از نظر آشنایی با قسمت‌های مختلف آن، بلکه برای اطلاع یافتن از نظریه‌های مختلف این علم و میزان کاربردی بودن آنها در پژوهش ادبی قرار گیرد. بنابراین در حالت اول، زبان‌شناسی به آموزش بهتر ادبیات کمک می‌کند و در حالت دوم، آموزش زبان‌شناسی در کنار ادبیات سبب ارتقای بضاعت علمی در زمینه نقد و تحلیل ادبی می‌شود».

بررسی‌هایی از این قبیل به سبک‌شناسی زبان‌شناختی نظم فارسی، شناخت سبک دوره، سبک یک اثر منفرد یا حتی سبک شاعر کمک می‌کند. همچنین انجام چنین مطالعاتی را علاوه بر آثار منظوم در آثار مثنوی ادبی نیز می‌توان انجام داد.

منابع

۱. اعتصامی، پروین (۱۳۸۶). *دیوان پروین اعتصامی* (به کوشش افروز ریاحی)، ج ۸. تهران: جرس.
۲. افراسیابی، فرامرز (۱۳۸۰). *تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه اشعار فروغ فرخزاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش زبان‌های خارجی دانشگاه شیراز.
۳. حسینی، شهیدقلی (۱۳۷۹). *تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات ترکی مأذون*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
۴. خان‌زاده امیری، ناهید (۱۳۷۹). *تحلیل زبان‌شناختی منطق‌الطیر بر مبنای دو رویکرد صورت‌گرایی و نقش‌گرایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۵. شهبازی، ایرج (۱۳۷۸). *تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه دیوان پروین اعتصامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
۶. صلح‌جو، علی (۱۳۷۷). *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
۷. کمپانی زارع، فاطمه (۱۳۸۱). *بررسی زبان‌شناختی حماسه رستم و سهراب فردوسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
۸. لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). *در آمدی به سخن‌کاوی، مجله زبان‌شناسی، شماره ۱، سال ۹*.
۹. مومنی، آرزو (۱۳۸۰). *تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد در دو سطح خرد و کلان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.

۱۰. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۷۲). شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه. شیراز: نوید.
۱۱. _____ (۱۳۷۴). پانزده مقاله در زبان‌شناسی مقابله‌ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن و گفت‌مان. تهران: رهنما.

11. Coulthard, M. (1985). *An introduction to discourse analysis*. London: Longman.
12. Fabb, N. (1997). *Linguistics and literature*. Oxford: Blackwell.
13. Hatch, E. (1992). *Discourse and language education*. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Labove, W. & Waltzky, J. (1967). Narrative analysis: oral versions of personal experience. In J. Helm (ed.). *Essays on the verbal and visual arts*. Proceedings of the American ethnological society. Seattle: University of Washington Press.
15. Mobashernia, R. (1371/1992). *A Discourse Analysis of Scientific Writings in English and Persian with Concentration on Medical Texts*. Unpublished M. A. thesis, Shiraz University .

